

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت ۲۱۲
شماره ۴



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق (گرایش حقوق خصوصی)

۱۳۸۱ / ۱۱ / ۳۰
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
موسسه تخصصی حقوق

**اداره مال غیر
در حقوق ایران
با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه**

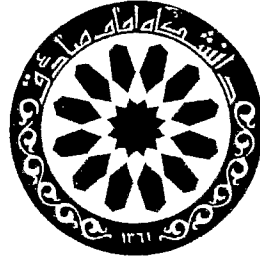
بابک محمدرضا پوراوزان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علی مصلحی

زمستان ۱۳۸۰

۶۶۰۱۶



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق (گرایش حقوق خصوصی)

**اداره مال غیر
در حقوق ایران
با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه**

بابک محمدرضا پوراوزان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علی مصلحی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر الماسی

زمستان ۱۳۸۰


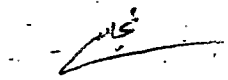
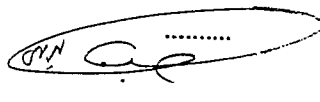
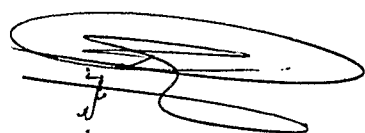
کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر ، نسخه برداری، ترجمه،
اقتباس و ۰۰۰ از این پایان نامه برای دانشگاه امام صادق
(علیه السلام) محفوظ است. نقل مطالب بازکر مأخذ
بلامانع است.

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای بابک محمد رضاپور به شماره دانشجویی ۷۴۳۱۶۸۵۴۴

تحت عنوان: " اداره مال غیر در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه "

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد می کنند.

محل امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	استاد	دکتر علی مصلحی	(۱) استاد راهنما :
	دکتر	دکتر نجادعلی الماسی	(۲) استاد مشاور :
	دکتر	دکتر حمید بهرامی احمدی	(۳) استاد داور
	نماینده	آقای سعید بیگدلی	(۳) نماینده شورای : تحصیلات تکمیلی دانشکده :

چکیده

اداره مال غیر

قانون مدنی ایران باب دوم این قانون را با عبارت «در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود» (مواد ۳۰۱ به بعد ق.م.)، آغاز کرده است و ماده ۳۰۶ ق.م. نیز، که تنها ماده مقرر شده در باب اداره مال غیر است، در این باب قرار گرفته است.

دقت در ماده ۳۰۶ ق.م. نشان دهنده این است که این ماده به تعریف این نهاد پرداخته است و فقط به بیان برخی شرایط برای تحقق این نهاد اقدام نموده است. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر کسی اموال غائب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسیکه حق اجازه دارد، اداره کند باید حساب زمان تصدی خود را بدهد در صورتیکه تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است.» این تأسیس حقوق، از حقوق فرانسه به حقوق ما راه یافته است و حقوق این کشور در مواد ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ ق.م. به بیان احکام و شرایط آن پرداخته است. در حقوق این کشور اداره امور غیر در میان اسباب تعهدات در ردیف شبه عقد قرار دارد و ماده ۱۳۷۱ ق.م. این کشور به تعریف شبه عقد پرداخته است و ماده ۱۳۷۲ ق.م. این کشور اداره مال غیر را عبارت از عملیات شخصی می‌داند که بدون اینکه به این امر ملزم باشد به اداره امور غیر می‌پردازد.

اداره امور غیر ریشه در حقوق روم دارد و از آنجا به حقوق کشورهای هم‌چون فرانسه و آلمان راه یافته است و قانونگذار ایران نیز در تدوین م ۳۰۶ به آن توجه کرده است چراکه با بررسی سابقه فقهی این نهاد معلوم می‌شود که یک چنین نهادی با این عنوان در ابواب فقهی مشاهده نمی‌شود اگر چه در بسیاری از مثالهای بکار رفته توسط فقها چنین امری مشاهده می‌شود و اگر هم بتوان مبنایی برای این نهاد در حقوق

اسلام پیدا کرد همان قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» می باشد بدین بیان که اصل عدم ولایت بر دیگری در امور مالی است و فقط در مواردیکه عدم دخالت در مال غیر مستلزم ورود ضروری ناروا باشد، این دخالت مباح می شود.

وجود دو رکن دخالت مادی و عنصر معنوی قصد اداره برای تحقق این نهاد ضروری است و همچنین برخی شرائط همچون اختیاری بودن و ضروری بودن اداره و ناتوانی مالک از اداره نیز برای تحقق این نهاد لازم است. با توجه به این شرائط و ماهیت اداره مال غیر قلمرو آن نیز مشخص می شود و از برخی نهادهای مشابه همچون وکالت، لقطه و... نیز متمایز می گردد.

همچنین این نهاد اگر چه با عنوان اداره مال غیر در حقوق ایران شناخت شده است اما توجه به فلسفه تشریح چنین مقرراتی، که همانا تقویت روحیه همبستگی اجتماعی است، مشخص می کند که هم اداره امور غیر مالی و هم کلیه اعمال اعم از مادی و قانونی می توانند تحت شمول این ماده قرار گیرند. همچنین قانونگذار بر این واقعه حقوقی آثاری را مترتب می کند که می توان گفت مهمترین اثر آن ارائه حساب زمان تصدی توسط شخص مدیر می باشد.

واژگان کلیدی

۱- اداره مال غیر ۲- ضرورت اداره ۳- دخالت ارادی ۴- قصد اداره ۵- حساب زمان تصدی

الموجز

الفضالة

أبدأ القانون المدني الباب الثاني من هذا القانون بهذه العبارة: «الزامات التي تبدأ دون العقد» و مادة ٣٠٦ من هذا القانون تكون مادة واحدة للفضالة و تقع هذه المادة في هذا الباب.

مع النظر الدقيق في هذه المادة نستنتج أن هذه المادة لم تُقَم بتعريف الفضالة و تبادر بنفسه في شرائط التي تكون لازمة لتحقيق هذا الامر.

هذه المادة تقرر إن أقدم شخص بإدارة اموال الغائب أم المحجور و غير ذلك من دون اجازة من المالك أم من الذي يكون له حق الاجازة يجب عليه أن يعطى حساب وقت تصديه بهذا الامر، و إن كان تحصيل الاجازة في موقعه مقدوراً أم كان التأخير في المداخلة غير موجب للضرر. لم يكن له حق لمطالبة المخارج و لكن إن كان عدم المداخلة أم التأخير في المداخلة سبباً للضرر. فهذا الشخصى يكون مستحقاً لأخذ المخارج التي كانت لازمة لعمل الإدارة.

أخذت الفضالة من القانون الفرنسى و من هناك أنها قد استفاد القانون الايرانى و فى قانون هذا البلد فى مواد ١٣٧٢ الى ١٣٧٥ من القانون المدني تبادر لبيان الأحكام و الشرائط لهذا الامر. فى قانون هذا البلد الفضالة فى تبين اسباب التعهدات تقع فى مرتبة شبه القعد و مادة ١٣٧١ من القانون المدني فى تعريف الفضالة يقرر أن الفضالة تكون أعمالاً من شخص غير ملزم بهذا الامر الذى تقدّم لاعمال الإدارة.

الفضالة لها مبدأ رومى و من هناك أنها دخل فى قانون الفرنسى و الألمانى. و شارع الايرانى أيضاً فى تقرير مادة ٣٠٦ قد توجه بهذا القانون لأنها مع التحقيق فى مبدأ الفقهى يُكشَف أن الفضالة مع هذا العنوان لا يشاهد فى أبواب الفقهى و إن كان فى أمثلة الفقهى المستعملة من الفقهاء نشاهد هذا الامر. و إن نستطيع أن نجد سبباً لهذا الامر فى قانون الاسلامى فهى تكون قاعدة الفقهية «الضرورات تبيح المحظورات» مع هذا البيان أن الأصل يكون عدم الولاية على الغير فى أمور المالية و لكن إن كان عدم المداخلة فى مال الغير مستلزماً لضرر غير مشروع، تبيح هذه المداخلة.

ركنان مادى و معنوى مع قصد الادارة يكونان ضروريين لتحقيق هذا الأمر و أيضاً وجود عدة شرائط كالاختيار فى الادارة و الضرورة للإدارة و أيضاً عدم القدرة من المالك للإدارة تكون ضرورياً لتحقيق هذا الامر. مع التوجه لهذه الشرائط و ماهية الفضالة تكشف دائرة شمولها و تتميز من عدة الامور كالوكالة و اللقطة و غير ذلك أيضاً و إن كان له عنوان «إدارة مال الغير» فى قانون الايرانى، لكن مع التوجه فى فلسفة تشريع القوانين لهذه الامور، فهى تكون استحقاقاً المناسبات الاجتماعية، نستنتج أن الامر يشمل اموراً غير مالى و أيضاً كل الاعمال اعم من مادي و قانونى. أيضاً قد يترتب الشارع الايرانى لهذه الواقعة الحقوقى عدة آثار التي نستطيع أن نقول أن الأثر الأصلى لهذا الأمر يكون تقديم الحساب فى زمن التصدى من جانب المدير.

واژگان كليدى

١- الفضالة ٢- قصد الادارة ٣- ضرورت الادارة ٤- تقديم الحساب فى زمن التصدى ٥- المدير

مقدمه ۱

فصل اول: مبنا و شرایط اداره مال غیر ۶

بخش اول: مبنا و ماهیت اداره مال غیر ۶

گفتار اول: کلیات ۶

گفتار دوم: تعریف اداره مال غیر ۷

گفتار سوم: ماهیت حقوقی اداره مال غیر ۱۱

بند ۱: تقسیم بندی اسباب تعهدات ۱۱

بند ۲: ماهیت اداره مال غیر و جایگاه آن در میان اسباب تعهدات ۲۱

گفتار چهارم: مبانی اداره مال غیر در حقوق اسلام ۲۵

بند ۱: اداره مال غیر و قاعده الضرورات تبيح المحظورات ۲۷

بند ۲: رابطه ولایت عدول المومنین و حسبه با اداره مال غیر ۲۹

بند ۳: قاعده احسان و اداره مال غیر ۳۹

بخش دوم: ارکان و شرایط مال غیر ۴۱

گفتار اول: ارکان ۴۱

بند ۱: رکن مادی ۴۱

بند ۲: رکن معنوی ۴۷

۵۲	گفتار دوم: شرایط
۵۲	بند ۱: اختیاری بودن (اجباری نبودن) اداره مال غیر
۵۷	بند ۲: ضرورت اداره
۵۹	بند ۳: ناتوانی مالک از اداره
۶۰	بند ۴: اهلیت مالک و مدیر

فصل دوم: قلمرو آثار اداره مال غیر

بخش اول: موضوع و قلمرو اداره مال غیر

۶۶	گفتار اول: بند ۱: پرداخت دیون توسط شخص ثالث و ارتباط آن با اداره مال غیر
۷۲	بند ۲: قلمرو اداره مال غیر نسبت به تصرفات امکانه
۷۶	بند ۳: اداره امور غیر مالی
۷۹	بند ۴: اداره دارایی اشخاص حقوقی
۸۲	گفتار دوم: اداره مال غیر و نهادهای حقوقی مشابه و وجه تمایز بین آنها
۸۳	بند ۱: تمایز اداره مال غیر از دارا شدن بلاجهت
۸۷	بند ۲: اداره مال غیر و وکالت و وجه تمایز بین آندو
۹۴	بند ۳: اداره مال غیر و معامله فضولی

بند ۴: اداره مال غیر و اموال پیدا شده (لقطه) و تصرف در این اموال ۹۶

بخش دوم: آثار اداره مال غیر ۹۸

گفتار اول: الزامات مالک در برابر مدیر ۹۹

بند ۱: الزامات مالک نسبت به کلیه هزینه‌های ضروری و خسارات ۹۹

بند ۲: ایفای تعهداتی که مدیر آنها را در قبال اشخاص ثالث بعهده گرفته است ۱۰۷

گفتار دوم: الزامات مدیر در برابر مالک ۱۱۰

بند ۱: ارائه حساب زمان تصدی ۱۱۱

بند ۲: استمرار اعمال اداره ۱۱۳

بند ۳: دخالت در حدود مقتضای عرف و عدم تعدی و تفریط ۱۱۵

بند ۴: رد نمودن اموال به مالک آن ۱۱۷

گفتار سوم: روابط مالک و مدیر با اشخاص ثالث ۱۱۸

بند ۱: روابط مدیر با اشخاص ثالث ۱۱۹

بند ۲: روابط مالک با اشخاص ثالث ۱۲۲

مقدمه: ماده ۳۰۶ ق.م. در مورد اداره مال غیر مقرر می دارد:

«هرگاه کسی اموال غایب با محجور یا امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند، درین حالت باید حساب زمان تصدی خود را بدهد. در صورتیکه تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نرور نبوده است حق مطالبه مخارج را نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا پرهیز در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد دخالت کننده مستحق أخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است. دقت در این ماده مبین این نکته است که قانونگذار در مقام تعریف این ماده نبوده است و فقط می خواسته که برخی شرایط و ارکان اداره مال غیر را بیان نماید و با توجه به آن شرایط برخی الزامات را بر مالک و مدیر تحمیل نماید. هدف از وضع چنین ماده ای توسط قانونگذار بیشتر این بوده است که در مواردیکه غیبت یا ناتوانی مالک مانع از دخل و تصرف او در مال خود می گردد و از طرف دیگر عدم دخالت موجب تضرر صاحب آن می باشد شخصی که توانایی اداره مال غیر را برای جلوگیری از ورود ضرر به مالک آن دارد، با این امر اقدام نماید و در نهایت اگر در این راه متحمل هزینه هایی گردد بتواند با ارائه حساب زمان تصدی آنرا از مالک مطالبه نماید.

آنچه که مسلم است، و در ادامه بحث به آن خواهیم رسید، اینست که قانونگذار ایران این ماده را از حقوق فرانسه و از ماده ۱۳۷۰ ق.م. این کشور اخذ کرده است. در حقوق فرانسه واژه "Gestion d'affaires" به مفهوم اداره امور غیر می باشد که مفهومی اعم از اداره مال غیر مورد پذیرش ق.م. ایران دارد. بنابراین قانونگذار ایران قلمرو این ماده قانونی را محدود کرده است. و آنرا در بحث الزاماتی که بدون قرار داد حاصل می شوند آورده است.

علت و فلسفه تشویع یک چنین مقرراتی تقویت رویه همبستگی اجتماعی و حس نوع دوستی و همیاری بوده

است تا یک انسان دلسوز و آگاه در صورت تحقق شرایط مقرر در این ماده با دخالت بموقع و بجا از ورود ضرری ناروا به ممنوع خود ممانعت بعمل آورد. از آنجائی هم که در حقوق اسلام به انجام کارهای نیک و یاری به ممنوع در بسیاری از آیات و روایات سفارش شده است ضرورت وجود یک چنین مقرراتی دو چندان می شود. اگر چه گفتیم که قانونگذار ایران در تدوین این ماده نظر به ق.م. فرانسه داشته است اما این امر بدین مفهوم نیست که در حقوق اسلام و در فقه چنین بحثهایی مطرح نشده است بلکه در بسیاری موارد با استقراء در بحثهای فقهی و مثالهای استعمال شده توسط فقها در می یابیم که چنین بحثهایی در حقوق اسلام نیز بی سابقه نیست. توصیه هایی که در زمینه لزوم نگهداری و تعریف مال لقطه یا غائب و بحثهایی چون قاعده عدول مؤمنین و امور حسبه و... مطرح شده است. بین آشنایی حقوقدانان و فقهای اسلامی با چنین نهادی و یا لاقلاً نهادهای مشابه بوده است. اگر چه اهمیت یک چنین نهادهایی با تحولات تاریخی و مسیر تمدن بشری پیدایش تکنولوژی و وسائل ارتباط جمعی کمرنگتر شده است، اما پیدایش برخی حوادث و بوجود آمدن برخی وضعیتهای خاص باز موجب می گردد که نتوان بطور کلی حوادث و بوجود آمدن برخی وضعیتهای خاص باز موجب می گردد که نتوان بطور کلی اهمیت یک چنین نهادی را نادیده گرفت و از آن دست کشید. پیدایش حوادث چون جنگ یا غائب شدن و... که نوعاً مانع از دسترسی به مالک می گردد و از طرف دیگر ضرورت دخالت در مال غیر آشکار می شود، نیاز به چنین نهادی را آشکار می سازد.

سؤالات و فرضیه های تحقیق: هدف از ارائه این تحقیق و بررسی نهاد اداره مال غیر بیان نکات ابهام و

گره های کور موجود در قانون مدنی و کمک به پاسخگویی به برخی سؤالات مطروحه در این زمینه می باشد و از طرف دیگر با بررسی حقوق فرانسه و ارائه راهکارهای بیان شده در حقوق آن کشور بتوان نقصیه های موجود در قانون مدنی

ایران را برطرف نمود. همچنین بررسی و تدفیق در موضوع امکان احیای این نهاد حقوقی و استفاده از آن را در برخی مواردیکه شک در این نهاد و نهادهای مشابه وجود دارد، فراهم می‌سازد و می‌تواند گشای بسیاری از پرونده‌هایی گردد که بعنوان مثال وصف فضولی یافته و بار د مالک، باطل شده است در حالیکه شاید امکان تطبیق این نهاد بر آن مسأله وجود می‌داشت و به تبع آن شخصیکه بدون اجازه مالک اقدام به دخالت در مال دیگری نموده بود، مستحق اخذ مخارجی می‌گردید که در مال دیگری صرف کرده بود.

از طرف دیگرگاه بسیار اتفاق می‌افتد که شخصی بدون اجازه مالک اقدام به پرداخت مال او می‌نماید بعنوان مثال در صورتیکه تأخیر در پرداخت قبض برق موجب قطع آن می‌گردد و همسایه به انگیزه غیر خواهی اقدام به پرداخت قبض برق همسایه می‌نماید، آیا می‌تواند با استناد به این ماده از همسایه خود مخارج متحمل شده را مطالبه نماید در حالیکه می‌دانیم مطابق م ۲۶۷ ق.م.ا: ایفاء کننده دین مدیون تنها در صورتی می‌تواند این دین پرداخت شده را مطالبه نماید که از جانب مدیون مأذون باشد حال اگر این شخص نتواند مخارج متحمل شده را به استناد این ماده مطالبه نماید باید قائل به یک امری خلاف انصاف و عدالت شویم و آن روح تشریح قانونگذاری را که همانا تقویت روحیه همبستگی و همیاری اجتماعی است را نادیده بگیریم. بنابراین سعی خواهد شد که با بررسی چنین مسائلی و ارائه راهکارهای مناسب تا حد امکان محدوده و قلمرو این نهاد حقوقی را بازشناسیم تا بتوان آنرا در مواردیکه امکان اعمال آن وجود دارد بکاربرد و این امر میسر نیست مگر با شناخت دقیق ماهیت و مبنا و شرائط تحقق آن و بازشناسی آن از سایر نهادها و یان مهم نیز هدف این تحقیق است علاوه بر اینکه با مقایسه تطبیقی این نهاد در حقوق داخلی با حقوق خارجی، همانگونه که هدف حقوق تطبیقی است، سعی خواهد شد که راه حلهای مفید اتخاذ شده در حقوق

خارجی در صورت امکان در حقوق داخلی نیز با توجه به روح قانونگذاری و اصول و قواعد موجود در این زمینه، بکار برده شود.

با توجه به این اهداف روش کار این جانب در تحقیق مورد نظر بیان مبنا و ماهیت این نهاد در حقوق اسلام و فقه امامیه و شرایط تحقق آن در یک فصل و پس از بیان این مطالب تعیین قلمرو و آثار آن در فصل دیگر می باشد و در کنار این مطالب در هر مورد سعی خواهد شد که بطور تطبیقی به حقوق فرانسه نیز اشاره شود، نقاط ضعف و قوت حقوق داخلی نیز آشکار شود. با توجه به این مطالب و اهداف نیز سؤالات اصلی تحقیق و فرضیه ها نیز شکل گرفته است که ذیلاً به آن پرداخته می شود.

سؤال اول، در مورد تعیین مبنا و ماهیت این نهاد حقوقی می باشد و اینکه آیا مبنای قانونی و فقهی آن با مبنایی که در حقوق فرانسه پذیرفته شده است یکسان است یا خیر؟

سؤال دوم، در زمینه ارکان و شرایط تحقق این نهاد حقوقی باشد.

سؤال سوم، هم در مورد قلمرو و آثار این نهاد حقوقی می باشد و اینکه آیا دایره شمول این نهاد با برخی نهادها همچون وکالت و ایفای ناروا و.... یکسان است یا نه؟

پس از بیان این سؤالات اجمالاً فرضیه های موجود در این زمینه بدین ترتیب ذکر می شود:

۱- اداره مال غیر در حقوق اسلام و ایران مبتنی بر قاعده الضرووات قبیح المحظورات می باشد.

۲- برای تحقق این نهاد وجود دو رکن دخالت مادی با قصد احسان ضروری می باشد.

۳- در صورت احراز شرایط تحقق آن مهمترین اثر این نهاد الزام مدیر به ارائه حساب زمان تصدی برای مطالبه